

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس عصر مشروطیت با اولین دوره قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

هادی قیصریان فرد^۱
صبح خسروی زاده^۲

مقدمه

مجلس از جمله ارکان مهم تأثیرگذار در نظام‌های سیاسی است که سابقه‌اش این در ایران به انقلاب مشروطیت باز می‌گردد. در سال ۱۲۸۵ هـ ش اولین دوره مجلس شورای ملی به فرمان مظفرالدین شاه قاجار، فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. در انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی، تنها طبقات شش‌گانه شاهزادگان قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، مالکان، کشاورزان و اصناف توانستند به مجلس نماینده بفرستند. مطابق نظام‌نامه، انتخابات به صورت صنفی طبقاتی برگزار گردید. مجلس اول را هم از جهت ترکیب طبقات و هم به جهت وظیفه خطیر، از مهم‌ترین ادوار قانون‌گذاری دانسته‌اند.

از انقلاب مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، جمعاً شاهد شکل‌گیری ۲۴ دوره مجلس قانون‌گذاری هستیم که پنج دوره آن در زمان قاجاریه، هفت دوره در زمان رضاشاه و دوازده دوره دیگر در زمان پهلوی دوم بوده است. مجلس دوره بیست و چهارم - که از آن به عنوان مجلس رستاخیز نیز یاد می‌کنند - در واقع آخرین مجلس زمان مشروطه بود که در سومین سال فعالیت خود، با انقلاب اسلامی مواجه گشت و منحل گردید. با استقرار نظام جمهوری اسلامی و نظر به جایگاه متعالی مشورت و شورا در اسلام، فعالیت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران

این نهاد با اهمیت در کشور از سر گرفته شد و انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ برگزار گردید. مجلس اول بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۳ به فعالیت خود ادامه داد.

از آنجا که بررسی تطبیقی مجلس دوره پهلوی با جمهوری اسلامی، می‌تواند بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را روشن سازد، این پژوهش بر آن است تا پایگاه اجتماعی نمایندگان دو دوره قانون‌گذاری، یعنی ادوار بیست و چهارم شورای ملی و دوره اول شورای اسلامی را مشخص نماید و بافت جامعه‌شناختی این دو دوره قانون‌گذاری را مورد بررسی قرار دهد. بررسی و شناخت ترکیب نمایندگان و طبقات اجتماعی آنان، می‌تواند خاستگاه واقعی و کلاسی مجلس و آرای صادره آنان را به نحو مطلوب بازشناسی کند و حتی قادر است چگونگی مشارکت مردم و بافت رأی‌دهندگان را در تعیین نمایندگان واقعی خود، ترسیم نماید. در این راستا پژوهش حاضر می‌کوشد به سؤالات ذیل، پاسخ گوید:

۱- بافت جامعه‌شناختی این دو دوره مجلس قانون‌گذاری، متأثر از چه عواملی بود؟

۲- میزان و سطح علمی نمایندگان این دو دوره چگونه بود؟

۳- نمایندگان این ادوار عمدتاً دارای چگونه پایگاه اجتماعی بودند؟

۴- میزان حضور زنان در این دو دوره چگونه بود؟

تعریف مفاهیم:

طبقه: طبقه یکی از قشربندی‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. تا قرن نوزده اصطلاح رسته به جای طبقه به کار می‌رفت. طبقه از قرن نوزده و برای اولین بار توسط آدام اسمیت در کتاب ثروت و ملل به کار برده شد. این اصطلاح با ظهور کارل مارکس، معنای ویژه‌ای یافت و به یکی از مفاهیم بنیادی در علوم اجتماعی معاصر تبدیل شد.^۱

پایگاه اجتماعی: مراد از این واژه در علوم اجتماعی جدید این معانی است: منزلت است از نظر شأن آن در داخل یک نظام اجتماعی و گاهی اشاره‌ای دارد به توزیع حقوق، الزامات و اقتدار و مرجعیت در داخل نظام مشابه؛ همچنین این واژه در مقابل موقعیت طبقاتی که حدود طبقاتی دارد، قرار می‌گیرد.^۲

قدرت سیاسی: ماکیاولی درباره قدرت سیاسی و چگونگی نگهداری یا از دست دادن آن به وسیله شهریان معتقد که قدرت سیاسی لازمه زندگی سیاسی است. حاکم می‌بایست با مهارت‌های سیاسی قدرت خود را رضایت مردم استوار کند. هر قدر حیطة قدرت و اراده شهریار گسترش یابد، حوزه بخت و تصادف محدودتر می‌شود. وقوع انقلاب و سرنوشتی شهریار در قلمرو نیروی بخت و تصادف قرار دارد. لذا هر چه قلمرو این نیرو محدودتر گردد، قدرت شهریار محفوظتر و احتمال سرنوشتی، کمتر است.^۳

۱. ادیبی، حسین، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ص ۶۷.

۲. زاهدی مازندرانی، محمدجواد، علوم اجتماعی، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.

۳. بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۲۰.

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

جامعه‌شناختی: این واژه به عنوان شاخه‌ای از دانش عبارت است از پی بردن به خاستگاه عقاید و نه قضاوت کردن درباره جهت‌گیری‌های سیاسی یا اعتبار آنها.^۱

چهارچوب نظری:

با مطالعه و صورت‌بندی‌های اجتماعی نیروهای سیاسی می‌توان به پایگاه اجتماعی و طبقاتی نخبگان حاکم دست یافت و در این راستا به تحلیل رفتارهای سیاسی شکل گرفته در ساختار سیاسی، اجتماعی کشور دست زد. در همین رابطه میراث به جا مانده از کارل مارکس، به عنوان یکی از نخستین کسانی که تأثیر نیروهای اجتماعی را بر سپهر سیاست مورد توجه قرار داده، در تحلیل طبقاتی می‌تواند بسیار کارگشا باشد، چنان‌که وی با بهره‌گیری از مفهوم نزاع طبقاتی و با تحلیلی که از جدال بین طبقات ارائه کرد، به نوعی جامعه‌شناسی سیاسی را پایه‌گذاری کرد.

مارکس با تحلیل طبقاتی تاریخ، تأثیر ساخت اجتماعی را از طریق شکاف‌های طبقاتی بر سیاست و دولت یادآور می‌شود. به نظر مارکس از آنجا که ستیز طبقاتی در بطن جامعه وجود دارد، سیاست نیز متضمن تنش و تعارض ناشی از آن می‌شود؛ از این رو موضوع جامعه‌شناسی سیاسی از دیدگاه مارکس، اساساً بررسی رابطه میان ساخت دولت و منازعات و شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی است. مارکس معتقد است که طبقات نیروهای تاریخی پویایی هستند که با منازعات خود، تاریخ را پیش می‌برند.^۲

به زعم برخی دیگر از جامعه‌شناسان، الگوی مارکس در مورد همه نیروهای اجتماعی و سیاسی نمی‌تواند کارساز باشد؛ مثلاً طبقه متوسط جدید را شامل نمی‌گردد و به همین دلیل در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، الگوی قشربندی اجتماعی کارسازتر و واقع‌گرایانه‌تر است. در همین راستا جهت انسجام هر چه بیشتر مفهوم طبقه در جامعه ایران لازم است مدل مارکس و بر را با الگوی پرواند آبراهامیان که مناسب جامعه سیاسی ایران است، تلفیق کرد و ملاک تقسیم‌بندی طبقه اجتماعی قرار داد، طبقه‌بندی آبراهامیان در خصوص طبقه متوسط روشن و به شرح ذیل است: حرفه‌مندان، کارمندان دولت، کارکنان اداری، دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان، دانشگاهیان و سایر روشنفکران که به نظر می‌رسد استفاده از این مدل برای این تحقیق کارسازتر باشد.^۳

نخستین جلوه و حضور جدی طبقات اجتماعی در تحولات سیاسی ایران را می‌توان در تحولات منتج به انقلاب مشروطه، ردیابی کرد. جایی که طبقات اجتماعی برای اولین بار در کنار گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی بر سپهر سیاسی ایران اثر گذاردند. نمود این تأثیرگذاری را می‌توان در اولین قانون انتخابات مجلس شورای ملی مشاهده کرد. در این قانون کرسی‌های پارلمان بین طبقات مختلف و با نیتی مشخص تقسیم

۱. فرهنگ مازندرانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۳۰۲.

۲. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۳۴.

۳. مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۵۷-۱۳۲۰)، تهران، روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۱۹.

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان‌فرد - صباح خسروی زاده

شد و شش دسته از رأی‌دهندگان در قالب شاهزادگان و اعضای ایل قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، مالکان، فلاخان، تاجران و اصناف مشخص شدند. این پژوهش بر اساس نظریه طبقاتی کارل مارکس و الگوی آبراهامیان راجع به قشربندی‌های اجتماعی می‌تواند تطابق داشته باشد.

گذری بر ادوار مختلف مجلس (۱۲۸۵ تا ۱۳۶۳ ش)

به دنبال صدور فرمان اول و دوم مشروطیت بود که مجلس شورای ملی تأسیس شد و مقدمه این امر خطیر نیز تدوین قانون انتخابات بود که در دوازدهم رجب ۱۳۲۴ (۱۰/۶/۱۲۸۵ ه.ش) انجام شد و در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲۴ ه.ق (۱۷/۶/۱۲۸۵) به توشیح مظفرالدین شاه رسید و رسمیت قانونی یافت.^۱

به موجب قانون انتخابات تدوین شده نمایندگان مجلس شورای ملی به شش دسته تقسیم می‌شدند: شاهزادگان قاجار، علما، اعیان و اشراف، ملاکین، تجار و اصناف. ملاکین می‌بایست حداقل زمینی به ارزش یک هزار تومان را مالک باشند و با این معیار دهقانان عمدتاً از این حق محروم می‌شدند؛ بنابر این کارگران و تهی‌دستان شهری نیز از حق انتخاب شدن محروم ماندند.^۲

همه کشور به ۱۵۶ حوزه انتخابی تقسیم شده بود که مطابق آن تهران ۶۰ کرسی داشت و ایالات دیگر همگی در مجموع فقط ۹۶ کرسی داشتند، حتی ایالت پر جمعیت آذربایجان، تنها دوازده کرسی داشت. به نظر می‌رسد علت این امر در واقع مشکلات ارتباطات و جاده‌ای بوده باشد و به علت همین دوری راه، بیشتر کرسی‌ها را در اختیار تهرانی‌ها قرار دادند تا اینکه جلسات مجلس همیشه دایر باشد. مطابق نظام‌نامه، شرایط سنی برای رأی‌دهندگان ۲۵ سال و برای انتخاب‌شوندگان، دست کم ۳۰ و حداکثر ۷۰ سال تعیین شده بود. پس از مرگ مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه در مخالفت با مجلس که قرار بود اختیارات او را محدود کند، مستبدانه دستوری داد که مجلس را منحل کنند و در سال ۱۲۸۷ ه.ش لیاخوف روسی به دستور محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست.

دوره دوم قانون‌گذاری پس از یک سال و چهار ماه و ۲۱ روز فترت در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۲۸۸ ش افتتاح شد. با وجود آنکه در مجلس اول شورای ملی، حضور بازرگانان بیش از سایر طبقات است، در مجلس دوم این زمین‌داران و دیوان‌سالاران زمین‌دار قاجاری هستند که بر مجلس سیطره می‌یابند، به طوری که ۸۳٪ نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند.^۳

در سومین دوره قانون‌گذاری که در آذر ماه ۱۲۹۳، توسط احمدشاه قاجار افتتاح یافت، وضعیت همچون دوره قبلی بود و تفاوت چندانی نمی‌کرد؛ البته در این دوره کارمندان دولتی و حقوق‌بگیر نیز پا به پای

۱. سائلی کرد ده، مجید، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص

۲۳

۲. جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات ایران از ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲

۳. همان، ص ۲۸۷

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت.../ هادی قیصریان فرد- صباح خسروی زاده

زمین‌داران در مجلس صاحب کرسی بودند و حضور داشتند. در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای ملی، قشر کارمندان و حقوق‌بگیران دولتی تا حدی موفق شدند بیشترین کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند^۱.

در زیر، مشاغل نمایندگان مجلس در عصر اول مشروطیت به اعتبار شغل و بر حسب درصد آمده است.

مشاغل نمایندگان مجلس در عصر اول مشروطیت (برحسب درصد)

شغل/ دوره	زمین داران	بازرگانان	کارمندان	روحانیان	مشاغل آزاد	کارمندان خصوصی	طبقه پایین
اول	۲۱	۴۱	۲۴	۲۰	۷	۵	-
دوم	۳۰	۱۰	۴۸	۲۴	۱۹	۲	-
سوم	۴۹	۷	۴۹	۳۱	۱۲	۵	-
چهارم	۴۵	۹	۵۵	۲۳	۹	۱	-
پنجم	۴۹	۴	۵۱	۲۴	۱۵	۲	۱
جمع	۱۹۴	۷۱	۲۲۷	۱۲۲	۶۲	۱۵	۱

نکته جالب توجه این است که دسته‌بندی‌های داخلی مجلس و اجزایی که تشکیل شد، هیچ‌گاه برای منافع طبقاتی شکل نگرفتند.

عصر دوم مشروطیت (مجلس ششم تا سیزدهم)

طی هشت دوره قانون‌گذاری عصر پهلوی اول، حدود نمایندگان از دیوانیان بودند و مالکان بیش از ۵۰٪ نمایندگان را تشکیل می‌دادند. در مقابل درصد نمایندگان از طبقات و اقشار پایین جامعه بین یک تا دو درصد بود. این مسئله از یک سو عدم تحرک طبقاتی و از سوی دیگر، ناممکن بودن رخنه لایه‌های پایین جامعه را درون نخبگان سیاسی حاکم نشان می‌دهد.

از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ - که کشور به دست متفقین اشغال می‌گردد - ادوار مجلس مستقیماً تحت نظارت و اوامر ملوکانه شاه بود؛ همچنین رضاشاه بخش عمده‌ای از حقوق قضایی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی روحانیون را کاهش داد^۲.

عصر سوم مشروطیت

۱. شجیعی، زهرا، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی*، تهران، سخن، چاپ اول، جلد چهارم،

۱۳۷۲، ص ۴۹۰

۲. ازغندی، علیرضا، *تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران، سمت، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان‌فرد - صباح خسروی زاده

از مجلس سیزدهم تا مجلس دوره بیست و چهار را عصر سوم مشروطیت می‌گویند. نمایندگان این دوره نیز ترکیبی از همان نمایندگان دوره قبل هستند. در این دوره بین ۵۵ تا ۶۰ درصد نمایندگان یک شغل و ۴۰ درصد بقیه در کنار شغل نمایندگی، دارای شغل دیگری نیز هستند.^۱ همین چندشغلی بودن نمایندگان، خود از موانع مهم تشخیص دقیق ساختار طبقاتی و قشربندی اجتماعی و بیانگر جامعه‌ای است که مکانیزم‌های جامعه مدنی و مشارکت مردمی در آن رشد نیافته و بورژوازی کمپرادور، دچار ضعف ابزاری و مالی شدید است. در ادوار بعد از اصلاحات ارضی بر اساس تغییر قانون انتخابات مصوب ۶ بهمن ۱۳۴۱ و قانون اصلاحات ارضی، در سیمای ادوار مجلس تا قانون‌گذاری تأثیرات عمیقی بر جای گذاشت. تا پیش از اصلاح قانون انتخابات در سال ۱۳۴۱، زنان به موجب ماده سوم نظام‌نامه انتخابات مصوب ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ ش، از حق مشارکت سیاسی محروم بودند، ولی از این سال به بعد و برای نخستین بار از دوره بیست و یکم، شاهد حضور زنان در جمع نخبگان سیاسی حاکم در ایران هستیم. در زیر، حضور گروه زنان در برابر مردان را در چهار دوره اخیر مجلس مشروطیت می‌بینیم.^۲

دوره	بیست و یکم	بیست و دوم	بیست و سوم	بیست و چهارم
مرد	۱۹۰	۲۰۵	۲۵۲	۲۴۸
زن	۶	۶	۱۶	۲۰

این ارقام نشانگر افزایش تدریجی شمار نمایندگان زن در مجلس قانون‌گذاری عصر مشروطیت در چهار دوره اخیر را نشان می‌دهد. البته این روند رو به افزایش در دهه اول بعد از انقلاب دوباره رو به افول و کاهش می‌نهد که در صفحات آتی راجع به آن بیشتر توضیح می‌دهیم. در چهار دوره آخر مجلس قانون‌گذاری عصر مشروطیت، نمایندگان عمدتاً از خانواده‌هایی بودند که بیش از یک تا شانزده تن از اعضای آن خانواده‌ها سابقه نمایندگی داشته‌اند و مهم‌تر از همه اینکه از تعداد نمایندگان صاحب زمین و مالک کاسته گردید و در عوض، کارمندان حدود ۶۵ تا ۷۳ درصد از کرسی‌های مجلس را به دست آوردند.^۳ به نظر می‌رسد که با اجرای طرح اصلاحات ارضی، قدرت سیاسی زمین‌داران و مالکان، لطمه شدیدی می‌بیند. در واقع با فروپاشی نظام زمین‌داری، شاهد ایجاد یک دولت جدید شبه سرمایه‌داری هستیم و بازتاب این امر، افزایش روز افزون نیروهای جدید مثل کارمندان، فن‌سالاران و متخصصین و نفوذ آنها در قوه مقننه است.

۱. از غندی، علیرضا، ناکار آمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، قومس، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹

۲. شجیعی، همان ص ۳۵۱

۳. شجیعی، همان، ص ۳۷۱.

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

به نوشته احمد اشرف در آخرین دوره مجلس قانون‌گذاری (بسیست و چهارم) تقریباً نمایندگان مجلس از گروه‌های متخصص، کارفرما و دیوانسالار تشکیل می‌شدند. این امر نشان می‌دهد که در ساختار قشربندی اجتماعی جامعه ایران سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۶ تغییراتی صورت گرفته، به طوری که طبقه ملاکین پس از اصلاحات ارضی به صورت تدریجی و ناخواسته جای خود را به نیروهای جدید از قبیل مدیران و کارمندان ادارات دولتی و خصوصی، صاحبان مشاغل چون روزنامه‌نگاران، پزشکان، مهندسی و وکلای دادگستری واگذار کرده‌اند؛ به عنوان مثال یکی از مشخصه‌های بارز مجلس در این اواخر، میزان تحصیلات عالی نمایندگان بود، به طوری که درصد دارندگان تحصیلات دانشگاهی در مجلس دوره بیست و چهارم به ۶۰ درصد می‌رسد.

مجلس شورای اسلامی (دوره اول)

در بیست و چهارم اسفند ماه ۱۳۵۸ انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در حالی آغاز شد که گروه‌های مختلف سیاسی پس از تجربه اولین انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌شدند تا با صف‌آرایی در برابر یکدیگر، اکثر کرسی‌های پارلمان جدید را در اختیار بگیرند. در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی به دلیل نبودن نظارت استصوابی و غربال کردن کاندیداها، فضا برای فعالیت اکثر جناح‌های سیاسی و گروه‌ها کاملاً مساعد بود، به طوری که در آستانه انتخابات، آمار نامزدهای نمایندگی به دو هزار نفر رسید. در این بین رقابت اصلی میان حزب جمهوری اسلامی و گروه‌های هم‌سو، دفتر هماهنگی رئیس‌جمهور با مردم، نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق بود.^۱

بر اساس آمار موجود، تعداد واجدین شرایط بیست میلیون و ۸۵۷ هزار و ۳۹۱ نفر اعلام شده بود که از این تعداد ده میلیون و ۸۷۵ هزار و ۶۹۶ نفر برابر با ۵۲/۱۴ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند.^۲ مطالعه انجام شده توسط اداره کل آموزش و پرورش معاونت سیاسی صدا و سیما نشان می‌دهد تعداد ۲۸۹ نفر نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی ۴۶٪ قبل از انقلاب به تدریس اشتغال داشته‌اند که از این میان ۶۴ نفر (۲۹ درصد) در دبیرستان‌ها و ۲۵ نفر (۱۱ درصد) به تدریس در دانشگاه‌های کشور اشتغال داشتند. همچنین ۴۱ درصد نمایندگان در حوزه‌های علمیه تدریس می‌کردند و ۵/۵ درصد نمایندگان به کشاورزی و دامداری ۶/۴ درصد نمایندگان کارمند دولت بودند. این مطالعه نشان می‌دهد بیشتر نمایندگان مجلس اول شورای اسلامی، دارای خاستگاه‌های طبقاتی روحانی کشاورز و دامدار، کاسب و تجار بوده‌اند و پس از آن خاستگاه کارگری و کارمندی قرار گرفته است. وجه غالب این مجلس را طبقات متوسط سنتی تشکیل می‌داد.

اکثریت بافت جامعه‌شناختی این مجلس با وجود تنوع، با طبقه روحانیون بود. به طور کلی در دهه اول

۱. خوش‌زاد، اکبر، مجلس شورای اسلامی دوره اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب، ۱۳۸۶، ص ۴۵.
 ۲. «عنوان ۲۴ سال رقابت / بررسی تحلیلی ۶ دوره انتخابات»، نشریه همشهری، ۱۳۸۲/۱۱/۳۰، ص ۳-۱.

انقلاب اسلامی قدرت سیاسی اساساً در دست طبقه سیاسی روحانیت و گروه‌های اقدار آن بود که عمدتاً دارای پایگاه بازاری بودند. حسین بشیریه در کتاب *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران* دوره جمهوری اسلامی می‌نویسد: «طبقه روحانیت از جهات مختلف طبقه حاکمه در جمهوری اسلامی است. روحانیت در ایران بر طبق تغییر اصلی از نظریه سیاسی شیعه، علم و دانش و حکومت را عرصه انحصاری خود داشته است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ این طبقه سازماندهی نظری تازه‌ای در قالب اندیشه ولایت فقیه پیدا کرد و به یک طبقه سیاسی اجتماعی تمام عیار تبدیل شد، به طوری که در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ در اوج انسجام طبقاتی خود به سر می‌برد»^۱.

با بررسی ترکیب نمایندگان مجلس اول شورای اسلامی در می‌یابیم که روحانیت در مجلس این دوره، اکثریت کرسی‌های مجلس را تصاحب کرده بود. کمترین کرسی در این مجلس به کشاورزان اختصاص داشت که تنها یک نفر بود.

کار ویژه و اهمیت قوه مقننه

ایران یکی از نخستین کشورها میان کشورهای خارج از قلمرو غرب است که با انقلاب مشروطیت نخستین گام‌ها را برای برقراری دموکراسی برداشت. این گام‌ها انتخابات متعددی را در ظل یک نظام سلطنتی به دنبال داشت و در برخی موارد حاصل آن، برقراری نوعی دموکراسی و حضور مطالبات اجتماعی در عرصه سیاسی بود، اما در نهایت نتوانست به تکوین و تعمیق سنت‌های دموکراتیک در عرصه سیاست ایران منجر شود.^۲

با وجود این همه مسائل و ناکامی‌هایی که مجلس در عمل با آنها مواجه بود، اینجا می‌طلبید که به اهمیت این قوه مهم و تأثیرگذار در مملکت اشاره بنماییم. اهمیت قوه مقننه به این دلیل است که دولت‌ها از آن ناشی می‌شوند و در برابر آن پاسخگوی اعمال خود هستند. از طرفی مجلس تنها نهادی است که در آن هم طرح تصویب می‌شود و هم لایحه. اهمیت دیگر مجلس آن است که اپوزیسیون در آن وجود دارد؛ بنابراین کلیه مباحث و مصوبات با حضور آنان انجام می‌گیرد. اپوزیسیون در تکمیل کردن دموکراسی و لیبرالیسم، سهم مهمی دارد؛ به راستی تصور دموکراسی بدون وجود اپوزیسیون ممکن نیست. مسئله دیگر راجع به اهمیت مجلس آن است که مجلس به پرورش نمایندگان متعدد می‌پردازد و مانند احزاب در پروراندن رهبران ملی نقش دارد. در این باره مارکس وبر اشاره خوبی دارد که پارلمان‌های قوی، رهبران مورد نیاز جامعه را معرفی می‌کنند.

مجالس قانون‌گذاری غیر از سیاست‌گذاری، کار ویژه‌های مختلف دیگری را نیز می‌توانند به اجرا گذارند.

۱. بشیریه، حسین، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱، صص ۱۱۰-۱۱۲

۲. قاضیان، حسین، *بررسی جامعه‌شناختی انتخابات در ایران بر حسب شکاف مدرن- سنتی*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۵۵

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

مباحثی که درون مجلس بحث می‌شود، می‌تواند به فرایند جامعه‌پذیری کمک کند و به برداشت‌های شهروندان در مورد مسائل سیاسی یک رویه مناسب شکل بخشد.^۱

بررسی تطبیقی مجلس ۲۴ و اول شورای ملی

بررسی تطبیقی مجلس در نظام پهلوی با جمهوری اسلامی می‌تواند بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را روشن سازد. حال این بررسی می‌تواند در موضوعات متنوع از قبیل جایگاه مجلس در قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس، احزاب و نیروهای سیاسی و پایگاه اجتماعی نمایندگان مجلس باشد. هدف ما در این پژوهش، بررسی جایگاه اجتماعی نمایندگان دو دوره مجلس شورای ملی است. در این بررسی به طور کلی می‌خواهیم نشان دهیم که ترکیب و خاستگاه اجتماعی نمایندگان این دو دوره، چگونه بوده است.

میزان مشارکت در دو دوره

الف - مجلس بیست و چهارم

در تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۴ ش. انتخابات مجلس دوره بیست و چهارم مشروطه آغاز گردید. انتخابات دوره ۲۴ مجلس شورای ملی یا انتخابات رستاخیزی، آخرین انتخابات دوران حکومت پهلوی بود. نامزدهای نمایندگی زیر نظر ساواک انتخاب می‌شدند. در این دوره بیش از ده هزار نفر خود را نامزد ۲۶۸ کرسی مجلس شورا و ۳۰ کرسی سنا کرده بودند. امیر عباس هویدا دبیر کل حزب رستاخیز اعلام کرده بود که عدم حضور مردم در حوزه‌های انتخاباتی برای رأی دادن، بی‌توجهی به حزب رستاخیز تلقی می‌گردد.^۲

یرواند آبراهامی در کتاب *ایران بین دو انقلاب*، در مورد ثبت نام رأی‌دهندگان برای انتخابات مجلس دوره بیست و چهارم می‌نویسد: «حزب رستاخیز برای بالا بردن میزان سطح مشارکت در انتخابات در این دوره دست به اقدامات گسترده‌ای می‌زند و به دنبال همین اقدامات این حزب موفق می‌گردد حدود ۷ میلیون رأی‌دهنده را همچون گله‌های گوسفند به پای صندوق‌های رأی بکشاند. ثبت نام برای رأی دادن، به خصوص برای حقوق‌بگیران دولتی تقریباً اجباری بود. بدین ترتیب طبق آمار حاصله از مجموع ۶/۸ میلیون نفر که برای رأی دادن ثبت نام کرده بودند، در انتخابات دولت اعلام می‌کند که تعداد ۱/۵ میلیون نفر به کاندیداهای نمایندگی مجلس رأی می‌دهند»^۳. بنابراین معلوم می‌شود که با وجود سخت‌گیری‌های دولت تعداد ۱/۵ میلیون نفر از ثبت نام کنندگان در رأی‌گیری شرکت نکرده بودند.

۱. پیشه‌ور، احمد، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اهواز، نشر دوران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰

۲. یونس مروارید، از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به ادوار قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، تهران، نشر واحدی، ۱۳۷۷، ص ۸۷۱

۳. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمد و محمد ابراهیم فتحی، تهران، نشر نی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷، ص ۵۴۴

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

دوره	تعداد نامزدها	واجدین شرایط رأی دادن	میزان مشارکت
۲۴	۸۴۱	۶/۸ میلیون	۵/۱ میلیون

پایگاه اجتماعی افرادی که برای نمایندگی مجلس دوره بیست و چهارم کاندیدا شده بودند، به شرح زیر است:

شغل آزاد	شغل	کارمند	دانشگاهی	کشاورز	کارگر	پزشک	بازرگان	قاضی	فرهنگی	شغل آزاد
۱۰۰	۱۶۲	۴۴	۸۹	۲۵	۲۵	۳۳	۳۱	۶	۱۰۰	

ب - مجلس اول

به طور کلی در دهه اول انقلاب اسلامی، تحولات اجتماعی مهمی درباره رشد اقشار جدید اجتماعی، گسترش مهاجرت و گسترش شهرنشینی، افزایش مشارکت اقشار اجتماعی در حوزه سیاسی ارتقاء جایگاه اجتماعی اقشاری همچون روستاییان و زنان را در کشور شاهد هستیم.^۱ در این انتخابات جمعیت واجد شرایط رأی دادن طبق آمارهای موجود، ۲۰۸۵۷۳۹۱ نفر بوده است. میزان مشارکت مردمی ۱۰۸۷۵۹۶۹ نفر یعنی مشارکت مردمی ۱۴/۵۲ درصد بوده است.

میزان نقش طبقه متوسط سنتی در سیاست

در مورد میزان مشارکت سیاسی این قشر اجتماعی بایستی عنوان کرد که در دوران پهلوی، به ویژه در نیمه دوم، این طبقه به طور عمیقی جایگاه خودش را از دست می‌دهد و رو به انحطاط کشانده می‌شود، به صورتی که میانگین نسبت حضور این قشر در دوره‌های مجالس ۲۱ تا ۲۴ یعنی فاصله زمانی سال‌های (۱۳۵۶-۱۳۴۱ ش) به ۶/۸ تقلیل می‌یابد؛^۲ البته بعد از انقلاب اسلامی، دوباره این طبقه رشد می‌کند و در بسیاری از حوزه‌های سیاسی خود را نشان می‌دهد، چرا که بسیاری از انقلابیون از همین طبقه متوسط سنتی به پا خواسته بودند.

وضعیت شغلی نمایندگان

پس از اصلاحات ارضی در کشور، کاهش شدید قدرت سیاسی مالکان، فروپاشی نظام زمین‌داری و ایجاد

۱. فوزی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، نشر مروج، چاپ اول، ۱۳۸۴،

ص ۱۶۸

۲. مقصودی، همان، ص ۳۱۱

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

دولت جدید شبه سرمایه‌داری را شاهد هستیم. بازتاب این تحول، افزایش روز افزون نیروهای اجتماعی جدید - که شامل کارمندان فن‌سالاران و نیروهای متخصص بود هستیم. این نیروهای جدید به تدریج دارای نفوذ زیادی در حوزه‌های سیاسی به خصوص قوه مقننه می‌شوند.

به طور کلی اگر وضعیت شغلی نمایندگان مجلس را در دوره اخیر مشروطه، یعنی ادوار ۲۱ تا ۲۴ در نظر بگیریم، می‌بینیم که حدود ۶۰ درصد از نمایندگان دارای مشاغل تخصصی و دیوانی هستند، به نحوی که در دوره بیست و چهارم حدود ۷۳ درصد نمایندگان را قشر کارمندان و حقوق‌بگیر دولت تشکیل می‌دادند.^۱ این در حالی بود که تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی، اکثر کرسی‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مالکان در اختیار داشتند. به نوشته احمد اشرف در آخرین دوره قانون‌گذاری تقریباً کل نمایندگان از گروه‌های فن‌سالار بودند. اما در دهه اول انقلاب اسلامی قدرت سیاسی اساساً در دست روحانیت و گروه‌های اقمار آن قرار می‌گیرد که عمدتاً دارای پایگاه بازاری نیز بودند. طبعاً با توجه به همبستگی تاریخی میان بازار و روحانیت، به قدرت رسیدن علمای دینی در انقلاب با گسترش نفوذ سیاسی بازار همراه بوده است. دکتر بشیریه در مورد روحانیت این گونه می‌گوید: «طبقه روحانیت از جهات مختلف، طبقه حاکمه در جمهوری اسلامی است. این طبقه بسیاری از عرصه‌ها را در انحصار خود قرار داده است».^۲

در دوره اول مجلس شورای اسلامی از مجموع ۲۶۹ نفر نماینده، تعداد ۱۲۹ نفر معمم با ۴۹/۲۴ درصد و تعداد ۱۳۳ نفر غیرمعمم با ۵۰/۷۶ درصد را تشکیل می‌دادند. قبل از انقلاب شغل بیشتر نمایندگان، روحانی و مبلغ بوده است با ۴۶/۴۸ درصد از مجموع ۲۶۹ نفر و تعداد آنها در مجلس اول به ۱۴۶ نفر می‌رسد. شغل اکثریت نمایندگان دو دوره در زیر مشاهده می‌گردد.

دوره	بیست و چهارم	اول
شغل اکثریت	کارمند دولتی	روحانی و مبلغ
درصد	٪۷۳	۴۴٪۶۴

حضور و مشارکت سیاسی زنان

قبل از انقلاب به خصوص در چهار دوره اخیر، می‌توانیم حضور گروه اقلیت زنان را در برابر مردان در مجلس مشاهده کنیم. تا پیش از تغییر قانون انتخابات در سال ۱۳۳۱، زنان حق مشارکت در حوزه‌های سیاسی را نداشتند، زیرا بر اساس ماده سوم نظام‌نامه انتخابات مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۵۸ ش، زنان از حق مشارکت سیاسی محروم بودند.

با اجرای تغییر قانون انتخابات و مصوب کردن آن در ۶ بهمن سال ۱۳۴۱، برای نخستین بار در مجلس

۱. ازغندی، ناکارآمدی نخبگان سیاسی، ص ۱۳۹

۲. بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی، ص ۱۱۰

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان فرد - صباح خسروی زاده

دوره بیست و یکم مشروطه شاهد حضور ۶ زن در ترکیب گروه‌های اجتماعی نخبگان سیاسی ایران هستیم. روند رو به افزایش زنان از مجلس دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم را می‌توانیم در زیر ببینیم.^۱

ادوار قانونگذاری	بیست و یکم	بیست و دوم	بیست و سوم	بیست و چهارم
میزان حضور زنان	۶ نفر	۷ نفر	۱۶ نفر	۲۰ نفر
میزان حضور مردان	۱۹۰ نفر	۲۰۵ نفر	۲۵۲ نفر	۲۴ نفر

اما پس از انقلاب از حضور زنان نسبت به قبل از انقلاب کاسته می‌شود، به طوری که در مجلس اول شورای اسلامی تنها شاهد حضور ۴ زن هستیم؛ یعنی ۱/۴۳ درصد. البته در دوره دوم نیز همین تعداد ثابت می‌ماند و افزایش پیدا نمی‌کند؛ بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که میزان مشارکت زنان در مجلس دوره بیست و چهارم بیش از دوره اول شورای اسلامی است.^۲

دوره	بیست و چهارم	اول
زنان	۲۰	۴
مردان	۲۴۸	۲۷۸

سطح تحصیلات

در مورد سطح تحصیلات دانشگاهی هر دو دوره مجلس بایستی گفت که سطح علمی نمایندگان مجلس دوره بیست و چهارم، بالاتر از سطح علمی نمایندگان دوره اول شورای اسلامی است، شاید علت این امر آن باشد که محمدرضا شاه شخصاً پیگیر این مسئله بوده است، زیرا یکی از اهداف شاه از تأسیس حزب رستاخیز، این بود که افراد روشنفکر و تحصیل کرده و نخبه به مجلس شورای ملی راه یابند.^۳

دلیل دیگر شاید تغییر در ساختار و قشر بندی اجتماعی جامعه ایران در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ باشد، زیرا که پس از اصلاحات ارضی، طبقه مالکین بزرگ به تدریج و ناخواسته جای خود را به نیروهای حواشی هسته مرکزی قدرت می‌دهند. از جمله مدیران و کارمندان ادارات دولتی و خصوصی، صاحبان مشاغل چون روزنامه‌نگاران، پزشکان و وکلای دادگستری واگذار کرده‌اند؛ بنابراین تحصیلات عالی از مشخصات بارز نمایندگان دوره بیست و چهارم بود. در زیر می‌توانیم درصد میزان تحصیلات دانشگاهی نمایندگان مجلس دوره بیست و چهارم را که به ۶۰٪ درصد می‌رسید، مشاهده کنیم:

۱. شجعی، همان، ص ۳۵۱

۲. اصغری، همان، ص ۳۹

۳. مروار، محمد، مجلس شورای ملی (دوره بیست و یکم تا بیست و چهارم) تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۶۶

دکتر	لیسانس	فوق لیسانس	دیپلم	تحصیلات قدیمه و زیر دیپلم
۱۸/۷	۳۹/۱	۲	۲۰/۵	۲۰

وضع تحصیلات نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوره اول

در این دوره بیشترین افراد مجلس شورای اسلامی با تحصیلات خارج فقه صد نفر بودند و کمترین افراد با مدرک مقدماتی حوزه‌ای پنج نفر بودند^۱.

میزان درصد تحصیلات نمایندگان مجلس دوم شورای اسلامی

اجتهاد	خارج	سطح	دکتر	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	مقدمات
۱۱/۵	۲۴/۵	۱۰	۱۴/۳۷	۹/۵	۵/۴	۱۴	۲/۶	۱	۱/۱۹

با توجه به آمار فوق مشاهده می‌گردد که در مجموع میزان تحصیلات دانشگاهی این دوره به ۴۴/۵۲ درصد می‌رسد که در مقایسه با میزان سطح علمی نمایندگان دوره بیست و چهارم که بیش از ۶۰ درصد بود، در سطح خیلی پایین‌تری قرار می‌گیرد.

نکته قابل توجه این است که در مجلس شورای ملی دوره بیست و چهارم که در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۴ افتتاح شد، بیش از ۶۰ درصد نمایندگان از چهره‌های جدید بودند. و از ۲۶۸ نفر نماینده، تعداد ۸۷ تن برای نخستین بار به مجلس وارد شده بودند. در این دوره مهندس ریاضی، ریاست مجلس شورای ملی را بر عهده داشت^۲. در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی هم وضع به این گونه بود و اکثر کاندیداها از چهره‌های جدید و انقلابی بودند. آقای سحابی، ریاست سنی مجلس را بر عهده داشت، اما به درخواست ایشان، آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس دائم و رسمی مجلس معرفی می‌گردد.

وضع گروه‌های سنی در دو دوره

در مورد وضع گروه‌های سنی نمایندگان هر دوره می‌توانیم بگوییم که مجلس شورای اسلامی دوره اول به لحاظ سنی جوان‌تر از مجلس دوره بیست و چهارم است، چرا که بیشترین افراد در مجلس شورای ملی دوره بیست و چهارم در سنین ۴۰ تا ۵۰ سال قرار دارند. اما با مشاهده وضع گروه‌های سنی دوره اول مجلس شورای اسلامی بر حسب درصد می‌بینیم که بیشترین افراد در سنین بین ۳۰ تا ۳۴ سال هستند؛

۱. اصغری، همان، ص ۳۸

۲. مروار، همان، ص ۳۵۵

مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس مصر مشروطیت... / هادی قیصریان‌فرد - صباح خسروی زاده

یعنی ۶۵ نفر که ۱۹/۸۷ درصد مجلس بودند.

نتیجه‌گیری

ایران از سال ۱۲۸۵ ش. دارای قانون اساسی گردید و در این قانون اساسی (قانون اساسی مشروطه) مجلس به عنوان نماد دموکراسی، جایگاه محوری و اساسی یافت؛ به گونه‌ای که اهمیت قوه مقننه بیشتر از دیگر قوا گردید؛ البته با وجود این مجلس از آغاز مشروطه تا انقلاب اسلامی که جمعا بیست و چهار دوره تشکیل شد، فاقد کارآمدی بود، زیرا در این دوران تنها کسانی می‌توانستند وارد مجلس شوند که از طبقاتی خاص جامعه باشند یا موقعیت مالی و اقتصادی خوبی داشته باشند. در این دوران به جز دوره‌های اول و دوم مشروطه، همچنین دوره‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم، بقیه ادوار مجلس تحت تأثیر و نظارت همه جانبه تشکیل شدند؛ به ویژه مجلس دوره بیست و چهارم که آخرین دوره قانون‌گذاری در دوره مشروطه به شمار می‌رود، از جمله مجالسی بود که تحت نظارت مستقیم شاه، ساواک و حزب رستاخیز نمایندگان آن انتخاب شدند. بنابراین بیشتر نمایندگانی که به این مجلس راه یافتند، از طبقه حقوق‌بگیران دولتی (کارمندان) بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، درست سیزده ماه بعد، با توجه به جایگاه متعالی مشورت و شورا در اسلام، انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۵۸ برگزار گردید. در این دوره به علت شرایط خاص انقلابی و فضای بازی که بر جامعه حاکم بود و همچنین نبود نظارت استصوابی، تقریباً از تمامی جریان‌ها و طیف‌های مختلف سیاسی در این مجلس حضور پیدا کردند. در این دوره سه نیروی عمده مذهبیون، ملی‌گراها و گروه‌های چپ در مقابل هم قرار گرفتند. در این پژوهش با مقایسه آخرین مجلس عصر مشروطیت و اولین مجلس انقلاب اسلامی به لحاظ ترکیب و بافت اجتماعی، به تفاوت‌های مهمی دست می‌یابیم. به خصوص در مورد میزان مشارکت سیاسی مردمی، سطح تحصیلات نمایندگان، درصد حضور زنان در دو دوره مجلس و همچنین وضعیت شغلی نمایندگان که تأثیر بسزایی در ورود آنان به مجلس داشته است. به طور کلی این تفاوت‌ها و بعضاً شباهت‌ها در مورد مقایسه دو مجلس که یکی در نظام شاهنشاهی و دیگری در نظام اسلامی قرار دارند، می‌تواند به شناخت هر چه بیشتر ما راجع به ماهیت دو نظام متفاوت پهلوی و جمهوری اسلامی ایران بیفزاید.